

به مناسبت یکصدمین سال تأسیس "سازمان بین‌المللی کار" (۱۹۱۹-۲۰۱۹)

نام سرگشاده

شورای همبستگی با جنبش کارگری - پاریس

در دیباچه تأسیس این سازمان (L'Organisation Internationale du Travail) که هم اکنون ۱۸۷ کشور در آن عضویت دارند، آمده است: "یک صلح جهانی شمول و پایدار نمی‌تواند پیریزی شود مگر بر پایه عدالت اجتماعی".

این سازمان وظیفه اصلی خود را برقراری و تهیه معیارها و ضوابط بین‌المللی به منظور برابری برای کارگران در سراسر جهان قرار داده است.

در دهه‌های اخیر با دگرگونی و استحاله در اقتصاد سرمایه‌داری و تبدیل آن به سرمایه جهانی شده، فشار بر کارگران و استثمار آنان شتاب سرسام‌آوری به خود گرفته است.

بنابر اساسنامه "سازمان بین‌المللی کار" برابری شرایط و تساوی حقوق زنان با مردان توصیه شده است ولی باوجود این زنان و کودکان بیش از پیش مورد انواع اجحافات و تجاوزات دنیای بی‌رحم کار قرار می‌گیرند. بنابراین اساسنامه، بر لغو واقعی و عملی بهره‌کشی از کار کودکان تاکید شده است.

لازم به یادآوری است که در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، مقابله‌نامه‌ها و قراردادهای "سازمان بین‌المللی کار" مورد اغماض و چشم‌پوشی دائمی قرار دارند و دولت‌های حاکم در این کشورها حقوق بین‌الملل و نیز قوانینی را که خود وضع کرده‌اند رعایت نمی‌کنند. این‌گونه دولت‌ها با پشتیبانی از کارفرمایان حریص، هر نوع اجحافی را در دنیای کار به‌طور ضمنی و در مواردی به‌طور علنی مجاز می‌شمارند.

در ایران، رژیم جمهوری اسلامی چهل سال است که کشوری با ۸۰ میلیون شهروند و با بیش از پانزده میلیون کارگر را در تمام زمینه‌ها از کاندیدا شدن و حق انتخاب کردن محروم کرده است. مردم فقط حق دارند به نمایندگان انتصابی از طرف جمهوری اسلامی رأی بدهند. برای این رژیم، *الترنانس* (L'alternance) بی معنی است. قدرت سیاسی، مجلس قانون‌گذاری و حق قضاوت در ید انحصاری اولیگارش‌های مالی و کاست حکومتی رژیم کلریکال ایران است. ده‌ها سرویس امنیتی، لباس‌شخصی‌ها و گشت‌های گوناگون به شکار و کنترل، ضرب و شتم، حبس و در مواردی قتل مخالفین سریعاً اقدام می‌کنند. آیا واقعاً تفاوتی ماهوی بین انداختن یک یهودی در کورن آدام سوزی و سنگسار یک زن در ایران وجود دارد؟ سازمان‌های امنیتی، بسیجی‌ها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فقط یک وظیفه دارند: حفظ قدرت سیاسی-اقتصادی روحانیت. همه چیز در خدمت دولت روحانیون و هر سیاستی بر منافع آنها استوار است.

بنیتو موسولینی، فاشیسم را این چنین تعریف می‌کرد: "همه چیز بر طبق نظرات دولت، هیچ چیز علیه دولت و هیچ چیز خارج از دولت". این تعریف با واقعیت امروز دولت و دولت‌مردان جمهوری اسلامی کاملاً قابل انطباق است. حکم حکومتی بر همه چیز رجحان دارد!

مطابق ماده‌های ۳ و ۴ اساسنامه "سازمان بین‌المللی کار": «... هیأت‌های نمایندگی ... از جمله هیأت نمایندگی کارگران در کمال استقلال، حق اقدام و عمل خواهند داشت».

اما هیأت نمایندگی کارگران ایران، جملگی وابسته به رژیم جمهوری اسلامی هستند. نمایندگان واقعی کارگران ایران، اعم از زن و مرد در زندان به سر می‌برند، حتی یک سندیکای واقعاً مستقل و آزاد در ایران وجود ندارد. تشکلات و سندیکاهای رسمی کارگری در ایران، در مجموع متشکل از اعضای گروه‌های فشار و باندهای سیاه تشکیلات امنیتی-پلیسی رژیم جمهوری اسلامی ایران هستند.

ما مصراً از "سازمان بین‌المللی کار" درخواست می‌کنیم که به حضور نمایندگان غیرواقعی کارگران ایران وابسته به رژیم جمهوری اسلامی که در اجلاس سالانه این سازمان شرکت می‌کنند، پایان دهد.

شرکت نمایندگان یک دولت تروریست و هیأت نمایندگی وابسته به تشکیلات امنیتی-پلیسی به نام کارگران ایران در "سازمان بین‌المللی کار" تنها اداراً مرتبط با "سازمان ملل متحد" که کارگران در آن حق شرکت دارند غیرقابل پذیرش است.

جمهوری اسلامی ایران بر خلاف پیشگفتار اساسنامه □ "سازمان بین‌المللی کار" بی‌توجه به عدالت اجتماعی و مانع صلح جهانی است.

شورای همبستگی با جنبش کارگری - پاریس

۱۷ ژوئن ۲۰۱۹